



لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها و قدرت خرید ایرانیان

برشمرده‌ایم و استدلال کرده‌ایم که مشکلات مصرف نامطلوب و نامناسب انرژی در کشور صرفاً با اصلاح قیمت‌ها اصلاح نخواهد شد و نیازمند بکارگیری راه‌کارهای غیرقیمتی است. تردیدی نداشته و نداریم که قیمت‌ها باید اصلاح شوند، اما قائل به شرایط و مقدمات و تدریج بوده‌ایم. خواننده علاقه‌مند می‌تواند در این رابطه به شماره‌های مختلف اقتصاد انرژی رجوع کند.

اما آنچه در این این نوشتار به آن خواهیم پرداخت، یکی از دیگر ابعاد مهم لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها است که نیاز به توجه جدی دارد، و آن مسأله چگونگی محاسبه یارانه در این لایحه و برخورد این لایحه با قدرت خرید مردم است. در

مهمترین بعد لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، مسأله افزایش قیمت حامل‌های انرژی است. این موضوع تازه نیست و از حدود بیست سال پیش و از برنامه اول مورد توجه بوده است و بسیاری از مفاد لایحه اخیر نیز قبلاً در طرح تحول اقتصادی مطرح بوده است.

با توجه به سابقه موضوع، نشریه اقتصاد انرژی در گذشته در چندین مقاله، از ابعاد مختلف به بررسی آن پرداخته است. نوشته‌ایم که در قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی چه عواملی باید مورد توجه قرارگیرد. و توضیح داده‌ایم که توجه صرف به قیمت تمام شده یا قیمت‌های منطقه‌ای (جهانی) نمی‌تواند ملاک قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی باشد. دیدگاه‌هایمان را نیز

خارجی (که هم‌اکنون دلار است) به آن ارز (دلار) تبدیل می‌کنند تا بتوان همه را یکدست کرد. اما به همان دلیلی که گفته شد (این‌که نرخ تبدیل ارزها منعکس‌کننده قدرت خرید نیست)، مقایسه این عددهای دلاری شده نیز قضاوت درستی را به دست نمی‌دهد. یعنی نمی‌توان قضاوت کرد که کشوری که درآمد ناخالص سرانه بالاتری دارد (صرفنظر از وضعیت توزیع درآمدی) وضعیتش بهتر از کشور دیگر است. به این منظور در سال ۱۹۱۸ شاخصی تحت عنوان «شاخص برابری قدرت خرید» (Power Parity Purchasing) یا (PPP) پیشنهاد شد. بر این مبنا ارزش یا قیمت سبد مشخصی از کالاها و خدمات در هر کشور بر مبنای ارزش واحد آن در کشور مبدأ مقایسه (فعالاً دلار آمریکا)، محاسبه می‌شود و از این طریق نرخ تبدیل ارزی (فرضی) که منعکس‌کننده قدرت خرید باشد محاسبه می‌شود و نهایتاً تولید ناخالص داخلی سرانه کشورها بر مبنای برابری قدرت خرید محاسبه می‌گردد که قضاوت دقیق‌تری را در مقایسه بین کشورها منتقل می‌کند. این محاسبات همه‌ساله توسط مراجع بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای همه کشورها انجام می‌شود.

جدول (۱) که اطلاعات آن از سایت صندوق بین‌المللی پول استخراج شده است، نرخ تبدیل ارز جاری در ۴۴ کشور را، که نمونه متنوعی از کشورها در مناطق و سطوح اقتصادی مختلف است، در مقایسه با نرخ تبدیل ارز محاسبه شده بر مبنای شاخص برابری قدرت خرید آنها (PPP Exchange Rate) برای سال ۲۰۰۸ نشان می‌دهد. ستون آخر جدول توسط نگارنده محاسبه شده است تا تفاوت نرخ تبدیل ارز (فرضی) محاسبه شده بر مبنای برابری قدرت خرید (PPPex) را با نرخ جاری تبدیل ارزها نشان دهد و مشخص کند که نرخ جاری چند درصد نرخ تبدیل ارز منعکس‌کننده قدرت خرید است.

همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود و قبلاً نیز اشاره شد، نرخ برابری ارز هیچ یک از ۴۴ کشور منتخب در مقابل دلار آمریکا با نرخ برابری ارزی که منعکس‌کننده قدرت خرید است (PPPex)، مطابق نیست. در اغلب کشورهایی که اقتصاد قوی دارند نرخ جاری کمتر از نرخ منعکس‌کننده قدرت خرید است و این موجب می‌شود که قدرت خرید مردم این کشورها در خارج از کشورشان بیشتر از داخل آن کشور باشد. در بسیاری از کشورهای اغلب با اقتصاد ضعیف‌تر وضعیت برعکس است و نرخ جاری بسیار بیشتر

لا یحیه هدفمند کردن یارانه‌ها قیمت فرآورده‌های نفتی در بازار جهانی (بازار منطقه خلیج فارس) به عنوان قیمت‌های واقعی در نظر گرفته شده و از آنجا که قیمت‌های جهانی بر مبنای دلار اعلام می‌شوند، طبعاً این قیمت‌ها بر اساس نرخ رسمی تبدیل ریال به دلار، به ریال تبدیل شده است و مابه‌التفاوت آن با قیمت‌های فعلی داخلی فرآورده‌های نفتی به عنوان یارانه در نظر گرفته شده است. البته این که آیا این تعریف از یارانه تعریف صحیحی است یا نه، جای بحث دارد، چراکه اگر یارانه بعنوان معادل فارسی سوبسید در نظر گرفته شده باشد، که چنین نیز هست، در ادبیات اقتصادی، سوبسید به مابه‌التفاوت قیمت تمام شده یک کالا و قیمت فروش آن (اگر کمتر از قیمت تمام شده باشد) اطلاق می‌شود، در صورتی که قیمت‌های منطقه‌ای ربطی به قیمت تمام شده ندارد. اما موضوع اصلی این نوشته این نیست بلکه موضوع نرخ برابری ریال با دلار و ارتباط آن با قدرت خرید مردم است.

معمولاً در محاسبات اقتصادی مرسوم نیست که نرخ تبدیل پول داخلی کشورها به دلار یا هر ارز خارجی دیگر، منعکس‌کننده قدرت خرید باشد. به عبارت دیگر اگر هر دلار آمریکا برابر با ۹۸۰ تومان ایران یا مثلاً ۵/۵ کرون نروژ است، معنی آن این نیست که لزوماً آنچه (سبدی از کالاها و خدمات) را که در آمریکا می‌توان با یک دلار خریداری کرد، در ایران می‌توان با ۹۸۰ تومان، و در نروژ می‌توان با ۵/۵ کرون خرید، و ممکن است قدرت خرید آن میزان تومان در ایران و یا آن میزان کرون در نروژ، بیشتر از یک دلار در آمریکا یا کمتر از آن باشد.

تعیین نرخ برابری پول داخلی کشورها به ارزهای خارجی، به سابقه تاریخی این پول‌ها و برابری آنها، به شرایط مختلف اقتصادی کشورها، به وضعیت انحصاری بودن یا رقابتی بودن بازار ارزهای خارجی در این کشورها، و به سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها و بانک‌های مرکزی کشورها ارتباط دارد. اما همان‌گونه که اشاره شد لزوماً به برابر کردن قدرت خرید داخلی و خارجی این پول‌ها ارتباط ندارد.

این مسأله که نرخ تبدیل ارزها منعکس‌کننده قدرت خرید نیست، در مقایسه‌های بین‌المللی بین کشورها مشکل بوجود می‌آورد. وقتی ما تولید ناخالص داخلی سرانه کشورها را به پول ملی آنها محاسبه می‌کنیم برای این‌که بتوان این شاخص را در کشورهای مختلف با یکدیگر مقایسه کرد، طبعاً این مقایسه ممکن نیست. ولذا تولید ناخالص ملی سرانه همه کشورها را بر مبنای نرخ تبدیل پول آنها به یک ارز واحد

از ۴۰۰۰ ریال به ازاء هر دلار بوده است و نرخ جاری حدود ۲۵۰ درصد بالاتر یا دو و نیم برابر نرخ منعکس کننده قدرت خرید بوده است.

آنچه گفته شد این واقعیت را نمایان می‌کند که نرخ جاری تبدیل ارز در ایران منعکس کننده قدرت خرید مردم نیست و از این نظر در سطح نامطلوبی در مقایسه با اغلب کشورهای جهان قرار دارد. در این شرایط تبدیل قیمت‌های منطقه‌ای فرآورده‌های نفتی به ریال بر مبنای نرخ‌های جاری تبدیل ارز

از نرخ منعکس کننده قدرت خرید است. و طبعاً قدرت خرید مردم این کشورها در خارج از کشور خود، کمتر از داخل کشورشان خواهد بود.

در جدول (۱) در میان ۴۴ کشور، تنها پنج کشور هستند که نرخ ارز جاری آن‌ها بیش از ۲۰۰ درصد بیشتر از نرخ منعکس کننده قدرت خرید است و ایران در میان این چهار کشور قرار دارد. در حالی که در سال ۲۰۰۸ متوسط هر دلار بیشتر از ۹۸۰۰ ریال بوده است نرخ منعکس کننده قدرت خرید کمتر

جدول ۱- مقایسه نرخ تبدیل ارز جاری و نرخ تبدیل ارز فرضی بر مبنای برابری قدرت خرید در ۴۴ کشور
(۱ دلار در مقابل میزان پول داخلی کشور مورد نظر)

نام کشور	نرخ تبدیل ارز منعکس کننده قدرت خرید	نرخ تبدیل ارز جاری	تفاوت نرخ دوم با اول (درصد)	نام کشور	نرخ تبدیل ارز منعکس کننده قدرت خرید	نرخ تبدیل ارز جاری	تفاوت نرخ دوم با اول (درصد)
مالت	۰/۵۷۸	۰/۲۸۶	۴۹	بحرین	۰/۲۹۶	۰/۳۷۶	۱۲۷
نروژ	۹/۸۹۳	۵/۵۵۱	۵۶	عمان	۰/۳۰۲	۰/۳۸۴۵	۱۲۷
دانمارک	۸/۵۲۶	۴/۹۶۲	۵۸	سنگاپور	۱/۰۷۸	۱/۳۹۶۴	۱۳۰
سوئیس	۱/۷۰۲	۱/۰۰۹۴	۵۹	مجارستان	۱۳۶/۱۷۳	۱۷۷/۹۶	۱۳۱
امارات عربی متحده	۵/۱۶۵	۳/۶۷۲۵	۷۱	برونئی	۱/۰۴۵	۱/۳۹۶	۱۳۴
استرالیا	۱/۴۸۶	۱/۰۸	۷۳	لهستان	۱/۹۰۲	۲/۸۰۴۴	۱۴۷
فرانسه	۰/۹۱۴	۰/۶۶۶۷	۷۳	شیلی	۳۶۴/۵۲۳	۵۴۲/۵۶	۱۴۹
سوئد	۹/۲۳۷	۶/۸۸	۷۴	کره جنوبی	۷۶۲/۸۰۲	۱۱۷۹/۱۰	۱۵۵
بلژیک	۰/۸۸۳	۰/۶۶۶۷	۷۶	روسیه	۱۸/۴۳	۲۹/۰۸۵۸	۱۵۸
ایتالیا	۰/۸۶۶	۰/۶۶۶۷	۷۷	کلمبیا	۱۲۰۸/۵۰	۱۹۱۰/۰۴	۱۵۸
آلمان	۰/۸۵۶	۰/۶۶۶۷	۷۸	آفریقای جنوبی	۴/۶۳۵	۷/۴۷۵	۱۶۱
ژاپن	۱۱۶/۵۷۶	۹۱/۱۵	۷۸	قزاقستان	۸۹/۵۹۴	۱۵۰/۷۶	۱۶۸
نیوزیلند	۱/۵۵۴	۱/۳۲	۸۵	اندونزی	۵۴۵۴/۵۲	۹۴۸۰	۱۷۴
کویت	۰/۳۱	۰/۲۸۵	۹۲	مالزی	۱/۹۲۸	۳/۳۹۱۵	۱۷۶
قطر	۳/۹۵۱	۳/۶۴	۹۲	چین	۳/۷۹۸	۶/۸۲۷۲	۱۸۰
انگلستان	۰/۶۴۷	۰/۶۰۵	۹۴	بوتسوانا	۳/۴۳۹	۶/۶۴۴۵	۱۹۳
اسرائیل	۳/۶	۳/۶۹۸	۱۰۳	تایلند	۱۶/۶۶۹	۳۳/۴۴۶	۲۰۱
ایسلند	۱۱۵/۶۸۷	۱۲۲/۲	۱۰۶	سرلانکا	۴۷/۹۳۲	۱۱۴/۸۰۷۹	۲۴۰
ترینیداد و توباگو	۵/۷۵۲	۶/۳۲۵۳	۱۱۰	ایران	۳۹۸۶/۳۸	۹۸۸۶	۲۴۸
برزیل	۱/۴۵۹	۱/۷۴۳۲	۱۱۹	هند	۱۶/۰۱۳	۴۶/۶۶	۲۹۱
جمهوری چک	۱۴/۱۳۵	۱۷/۲۷۹	۱۲۲	قبرس	۰/۷۴۶	۲/۵۶	۳۴۳
عربستان سعودی	۳/۰۴	۳/۷۵	۱۲۳	پاکستان	۲۳/۸۳۸	۸۳/۳۰۶۱	۳۴۹

جدول ۲ - آخرین قیمت فرآورده‌های عمده نفتی در بازار خلیج فارس (منطقه‌ای) در مورخه ۸/۸/۱۴ و تبدیل آن به نرخ ارز جاری و قدرت خرید

نرخ‌های فعلی داخلی فروش فرآورده (ریال)	قیمت لیتر بر مبنای نرخ ارز قدرت خرید (ریال)	قیمت لیتر بر مبنای نرخ جاری ارز (ریال)	قیمت لیتر (دلار)	قیمت تن متریک (دلار)	تبدیل تن متریک به لیتر	نوع فرآورده
۱۵۰۰	۲۰۱۴	۵۰۳۶	۰/۵۰	۶۸۰/۳۲	۱۳۵۱	بنزین سوپر بدون سرب
۱۰۰۰	۱۹۴۴	۴۸۶۰	۰/۴۹	۶۵۶/۶۴	۱۳۵۱	بنزین معمولی (نفتا)
۱۶۵	۲۱۵۳	۵۳۸۱	۰/۵۴	۶۶۷/۲۸	۱۲۴۰	سوخت جت (نفت سفید)
۱۶۵	۲۰۹۰	۵۲۲۵	۰/۵۲	۶۲۲/۸۲	۱۱۹۲	نفت گاز
۹۵	۱۷۳۰	۴۳۲۵	۰/۴۳	۴۶۰/۶۳	۱۰۶۵	نفت کوره
۳۰۰	۱۴۴۸	۳۶۲۰	۰/۳۶	۶۶۷/۵۰	۱۸۴۴	گاز مایع (G.P.L)

همان‌طور که ملاحظه شد، دو عامل متغیر یعنی قیمت‌های منطقه‌ای فرآورده‌ها و نیز نرخ رسمی تبدیل ارز، در این نحوه محاسبه دخالت دارند که به نظر می‌رسد در محاسبه اولیه لایحه، ثابت در نظر گرفته شده‌اند، اما تأثیر تغییرات احتمالی آن‌ها مسکوت گذاشته شده است.

دو سال پیش زمانی که قیمت جهانی نفت خام به بیش از ۱۴۰ دلار در بشکه رسیده بود، قیمت منطقه‌ای بعضی فرآورده‌ها به حدود یک دلار در لیتر هم رسید، که با احتساب دلار حدود ۱۰۰۰ تومانی در واقع ۱۰۰۰ تومان در لیتر می‌شود. در صورتی که چنین وضعیتی تکرار شود، تکلیف میزان یارانه‌ها چه خواهد بود؟ همچنین ممکن است دولت به هر دلیلی تصمیم بگیرد که نرخ ارز را افزایش دهد. مثلاً چند هفته پیش صادر کنندگان به دولت فشار می‌آوردند که چنین اقدامی را انجام دهد. و در این مورد نیز این سؤال قابل تکرار خواهد بود که در این صورت میزان یارانه‌ها چه مقدار خواهد بود؟ لایحه‌ای که محاسبات اعداد و ارقام آن براساس دو عامل متغیر است باید برای این سؤال پاسخ داشته باشد.

نکته قابل توجه دیگر، این است که گرچه قیمت حامل‌های انرژی در ایران، غیر منطقی، نامطلوب و دچار مشکل است اما این مشکلات به قیمت‌های مذکور محدود نمی‌شود و بسیاری از قیمت‌های دیگر و از جمله نرخ ارز نیز علامت درستی به اقتصاد نمی‌دهند و نمی‌توان از این میان بقیه را نادیده گرفت و فقط به یکی توجه نمود.

امید است نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دست اندرکاران تصویب و اجرای این لایحه با دقت بیشتر، ضمن توجه به قدرت خرید ایرانیان ابهامات را بر طرف نمایند. ■

مدیر مسئول

و محاسبه یارانه بر مبنای آن منصفانه به نظر نمی‌رسد. زیرا در این محاسبه قدرت خرید شهروندان برای تأمین حامل‌های انرژی نادیده گرفته می‌شود و میزان یارانه واقعی یا مؤثر بسیار بیشتر از واقع برآورد می‌شود.

در جدول (۲) آخرین قیمت‌های منطقه‌ای فرآورده‌های نفتی درج گردیده است. از آنجا که قیمت‌های منطقه‌ای این فرآورده‌ها به تن متریک اعلام می‌شود، این قیمت‌ها به لیتر تبدیل شده‌اند و در دو ستون ماقبل آخر قیمت‌های دلاری با نرخ تبدیل ارز جاری و با نرخ تبدیل ارز منعکس‌کننده قدرت خرید، به ریال تبدیل شده‌اند و برای سهولت محاسبه، نرخ اولی ۰۰۰،۱۰ ریال و دومی ۰۰۰،۴ ریال در نظر گرفته شده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تفاوت ارقام دو ستون ماقبل آخر، بسیار زیاد است. یعنی اگر یارانه‌ها را به گونه‌ای محاسبه کنیم که قدرت خرید مردم در نظر گرفته شود، میزان یارانه‌ها بسیار کمتر از حالتی است که قدرت خرید مردم لحاظ نگردیده است.

البته ممکن است گفته شود که بخشی از این شدت تفاوت میان نرخ ارز رسمی و نرخ ارز منعکس‌کننده قدرت خرید (PPPex)، خود ناشی از پائین بودن قیمت حامل‌های انرژی است که بخشی از اقلام سبد هزینه را تشکیل می‌دهند. این حرف تا حدودی درست است، اما مسلماً همه تفاوت را توجیه نمی‌کند. در ایران نرخ بازار ارز انحصاری است و نرخ جاری و رسمی ارز به صورت انحصاری توسط دولت تعیین می‌شود.

نکته قابل تأمل دیگری که در زمینه این شیوه از محاسبه یارانه وجود دارد، مسأله مبهم بودن میزان آن در آینده است.